

## نقد و بررسی ترجمه سریال عربی الاسباط باتوجه به نظریه

### هدف (ورمیر)

زینب عباسی نژاد<sup>۱</sup>

### چکیده

واژه یونانی اسکوپوس توسط هانس جی ورمیر در قالب واژه‌ای فنی برای هدف و عمل ترجمه، وارد نظریات ترجمه شد. این نظریه به طور خلاصه از شش قاعده تشکیل می‌شود: تعیین متن مقصد توسط اهداف آن، ارائه اطلاعات در زبان مقصد متناسب با همان زبان، عدم قابلیت بازگردانی متن ترجمه شده به زبان اصلی، پیوستگی درونی، قاعده وفاداری و ترتیب اولویت. در بررسی قسمت اول سریال الاسباط هرچند در برخی موارد دقت نظرهای مناسبی از جانب مترجم اعمال شده است، اما کاستی‌هایی نیز در این اثر مشاهده می‌شود. برخی نقاط قوت این ترجمه عبارتند از: رعایت لحن حماسی در قالب هدف ترجمه (قاعده نخست)، معادل‌یابی برخی اصطلاحات عربی به گونه‌ای که به طور صریح قابل بازگردانی به زبان مبدأ نباشد، تغییر مقوله‌های مناسب و تلاش برای کاستن از ناپیوستگی درونی. ضعف‌های موجود در این اثر عبارتند از: عدم رعایت علائم نگارشی و ویرایشی، گرته‌برداری و ترجمه تحت‌اللفظی، عدم آشنایی با برخی اصطلاحات، عدم رعایت پیوستگی درونی در بسیاری از موارد و بی‌دقتی‌هایی که در برخی موارد به قاعده وفاداری آسیب زده است.

**واژگان کلیدی:** نقد ترجمه، نظریه هدف (اسکوپوس)، رایس و ورمیر، ترجمه عربی، سریال الاسباط.

۱. دانش‌پژوه مقطع کارشناسی ارشد مترجمی زبان و ادبیات عرب، مجتمع آموزش عالی بنت‌الهدی، جامعه‌المصطفی‌العالمیه، قم، ایران.

## ۱. مقدمه

مجموعه سه جلدی نقد سریال الأسباط متشکل از متن عربی سناریو فیلم، ترجمه فارسی آن و نقد آن با شواهد تاریخی، مجموعه‌ای نو و زیبا با سبکی جدید است که صرف مشاهده آن اهل مطالعه را ترغیب به خواندن این اثر مفید می‌کند. از آنجا که به طور طبیعی بسیاری از خواننده‌ها تسلط کافی بر زبان عربی ندارند ترجیح بر مطالعه متن فارسی سناریو و سپس نقد آن است. بنابراین، مهم است که ترجمه چنین اثری روان و جذاب باشد. از آنجا که در ترجمه این اثر اشکالات و ابهاماتی مشاهده می‌شود باید این ترجمه براساس یکی از نظریه‌های مقصدگرا در علم ترجمه نقد و بررسی شود. ترجمه‌های عربی به فارسی تا به حال به صورت نظری نقد نشده‌اند و بیشتر مقاله‌هایی که به نقد و بررسی متون براساس نظریات علمی پرداخته‌اند مربوط به زبان انگلیسی و فرانسوی هستند، اما برعهده دانشجویان رشته مترجمی عربی است که این مهم را برعهده گرفته و ترجمه متون عربی به فارسی را نیز براساس نظریه‌های علمی مطرح در دنیا نقد و بررسی کنند. در پژوهش حاضر نگارنده بر آن است تا یک ترجمه عربی به فارسی را براساس نظریه هدف (اسکوپوس) مورد نقد علمی قرار دهد. پژوهش حاضر برای بررسی نقد علمی ترجمه براساس نظریه هدف، قسمت اول ترجمه سریال السبطین (صفحات ۵ الی ۱۸) را برای داده تحقیق انتخاب کرده است.

در زمینه نظریه هدف، کتابی که به صورت جداگانه این اثر را براساس این نظریه بررسی کرده باشد، یافت نشد. تنها برخی پایان‌نامه‌ها یک متن ترجمه شده را براساس این نظریه بررسی کرده‌اند (وطن‌دوست، ۱۳۹۵؛ علیمردانی، ۱۳۸۹؛ مخلوقی، ۱۳۹۴) مانند بررسی انسجام بینامتنی در ترجمه انگلیسی رمان بوف کور صادق هدایت با رویکرد اسکوپوس اثر خاطره وطن‌دوست، ترجمه تلمیحات اسم خاص و عبارات مهم برگرفته از اساطیر و کتب مقدس در سه تراژدی شکسپیر: هملت، مکبث و رومئو و ژولیت نوشته حبیب علیمردانی و بررسی مشکلات ترجمه متون مطبوعاتی از فرانسه به فارسی با تکیه بر نظریه اسکوپوس نوشته حوریه مخلوقی. این موارد به زبان انگلیسی بوده و گویا تا به حال در ترجمه عربی به فارسی سابقه‌ای

نداشته است. در میان مقالات نیز یک مقاله بانام بررسی نظریه اسکوپوس (هدفمندی) در نهضت ترجمه بغداد از محمدرضا هاشمی و امیرداوود حیدرپور یافت شد که آن هم به طور کلی، نهضت ترجمه عربی را بررسی کرده و وارد جزئیات نشده است (هاشمی و حیدرپور، ۱۳۹۲). در پژوهش حاضر، نگارنده بر آن است تا شاید برای اولین بار این نظریه را به صورت جزئی بر یک ترجمه عربی به فارسی تطبیق داده و معایب و محاسن آن ترجمه را براساس این نظریه بررسی کند. پژوهش حاضر ابتدا کلتی از نظریه هدف را به صورت خلاصه مطرح کرده، سپس براساس هریک از بندهای این نظریه، نقاط مثبت و منفی ترجمه را مورد بررسی قرار داده است.

## ۲. مبانی نظری

اسکوپوس واژه‌ای یونانی به معنای هدف یا مقصد است که از دهه ۱۹۷۰ توسط "هانس جی ورمیر" به عنوان واژه‌ای فنی برای هدف و عمل ترجمه، وارد نظریات ترجمه شد. وی با همکاری کاترین رییس کتاب شالوده‌ای برای نظریه کلی ترجمه را تألیف کرد. بخش اول این کتاب با توضیح کاملی از نظریه هدف ورمیر آغاز می‌شود و بخش دوم یعنی، نظریه‌های مخصوص، مدل نوع متن کاربردی رئیس را با نظریه کلی تطبیق می‌دهد. در نظریه هدف، دانستن چرایی ترجمه متن مبدأ و کاربرد متن مقصد برای مترجم نقش اساسی دارد. این نظریه از شش قاعده تشکیل می‌شود که عبارتند از:

- متن مقصد توسط اهدافش تعیین می‌شود؛

- متن مقصد ارائه اطلاعات در فرهنگ و زبان مقصد و مربوط به ارائه اطلاعات در فرهنگ و زبان مبدأ است. اهمیت این قاعده، از آن جهت است که متن مبدأ و مقصد را با کاربرد آنها در بافت زبان شناسی و فرهنگی مربوط به آنها مرتبط می‌سازد؛ یعنی مترجم یک بار دیگر در فرآیند ارتباطات میان فرهنگی و تولید متن مقصد، بازیگر اصلی است؛

- متن مقصد حاوی اطلاعاتی است که به طور صریح قابل بازگردانی و ترجمه مجدد به زبان مبدأ نیست. این عدم قابلیت بازگردانی نشان می‌دهد که کاربرد متن مقصد در فرهنگ مقصد به طور لزوم با فرهنگ مبدأ یکسان نیست؛

- متن مقصد باید پیوستگی درونی داشته باشد و باتوجه به موقعیت دریافت‌کننده متن مقصد در قالب متنی پیوسته قابل تفسیر باشد. به عبارت دیگر، ترجمه باید به گونه‌ای باشد که باتوجه به شرایط و دانش دریافت‌کنندگان متن مقصد از نظر آنها پیوستگی داشته باشد؛

- قاعده وفاداری: متن مقصد باید با متن مبدأ پیوستگی داشته باشد به ویژه بین اطلاعات متن مبدأ که مترجم دریافت می‌کند؛ تفسیر مترجم از این اطلاعات و اطلاعاتی که برای دریافت‌کنندگان متن مقصد رمزگذاری شده است.

پنج قاعده بالا به ترتیب اولویت قرار می‌گیرند درحالی که قانون هدف بر همه احاطه دارد. بنابراین، پیوستگی بینامتنی (قاعده ۵) به نسبت پیوستگی درون‌متنی (قاعده ۴) که خود زیرمجموعه هدف (قاعده ۱) است اهمیت کم‌تری دارد. در انتها اگر متن مقصد، هدفی را که توسط مأموریت تعیین شده است، محقق سازد، می‌توان گفت که آن ترجمه از نظر کاربردی و ارتباطی مناسب است. (موندی، ۱۳۸۹، ص ۱۷۴) باتوجه به اینکه قاعده ششم، بیشتر ناظر به خود مترجم است که در کیفیت کار خود موارد اولویت را رعایت کند به نظر می‌رسد که بررسی آن ثمره چندانی نداشته باشد. به همین دلیل از آن چشم‌پوشی و به پنج قاعده نخست اکتفا می‌شود.

### ۳. تحلیل داده‌ها

همان‌طور که ذکر شد، نظریه هدف، شش قاعده دارد که باید به ترتیب اولویت رعایت شوند:

#### ۳-۱. قاعده اول، تعیین متن مقصد توسط اهداف آن

##### ۳-۱-۱. رعایت قاعده

براساس قاعده اول، متن ترجمه توسط اهداف تعیین می‌شود. (موندی، ۱۳۸۹) متن ترجمه مورد نظر، سریالی است که مخاطبان آن عموم مردم هستند. بنابراین، هدف اصلی در سریال،

ارتباط‌گیری با این مخاطب عام در قالب جملاتی جذاب و قابل فهم و اصطلاحاتی نزدیک به استعمال عامیانه مردم است. ازسوی دیگر به دلیل تاریخی بودن سریال، جملات باید لحنی فاخر و کهن داشته باشند که مخاطب را به درستی در حال و هوای قرن‌ها قبل قرار دهد. این مهم در بخش‌های قابل توجهی از اثر به درستی رعایت شده است. برای نمونه موارد زیر مطرح می‌شود:

- «كثيراً ما وددت لو أن لي بعض ما بسط الله لك من لسانك يابن أبي. ولو أن لي شدة قلبك يا حسين؛ چقدر دوست داشتم که به من نیز زبان شیوایی مانند تو ارزانی می‌داشت. ای کاش من نیز اطمینان قلب تو را داشتم»؛

- «سأسعی بكل ما اوتيت إلى تنجيح الخلاف و زرع بذور الشقاق بين المسلمين و صنعت لهذا خطة محكمة ستكون شاهداً على ذكائنا و قدرتنا في السيطرة على اقطاب القوة منهم؛ هر آنچه در توان دارم به کار خواهم بست تا شعله‌های اختلاف را در میان آنها شعله‌ور کنم و بذر دودستگی را در میان مسلمین بکارم. برای این کار نقشه زیرکانه‌ای کشیدم. خواهی دید که چگونه با تیزهوشی و توانم بر مرکز قدرت آنها سیطره پیدا می‌کنیم»؛

- «ويحك يابن عديس أوكل صحابة الرسول انخدعوا بعثمان و أنتم اعراب مصر و البصرة و الكوفة قد كسفتموه؛ وای بر تو پسر عديس، آیا همه صحابه رسول فریب عثمان را خوردند و تنها شما اعراب مصر و کوفه و بصره او را شناختید».

### ۳-۱-۲. عدم رعایت قاعده

با وجود لحن حماسی اثر، اما در ساختار کلی ترجمه نقص‌هایی دیده می‌شود؛ یکی اینکه علائم نگارشی و حتی ساده‌ترین آنها در بیشتر موارد رعایت نشده است. در بسیاری از موارد درجایی که جمله تمام شده به جای علامت نقطه (.)، ویرگول (،) به کار رفته است که این مطلب مخاطب را به اشتباه می‌اندازد و باعث دشواری فهم متن می‌شود. برای نمونه: «ادعاءات واهية يا عماء، يدعون إنَّ أبي قد ارسل اليهم كتباً يقول فيها: إنَّ دين محمد فسد و تُرك و إنَّ الجهاد في المدينة خير لهم من الرضاة في الثغور الباعية، و على ذلك اهل الكوفة و

البصرة و طلحة و الزبير. ليس ذلك و حسب بل ادعوا إته المؤمنین عائلة قد ارسلت لهم كتاباً؛  
عمو! ادعاهای واهی است. ادعا می‌کنند پدرم برای آنها نامه‌هایی فرستاده و در آنها نوشته  
است که دین محمد فاسد و رها شده است و اینکه جهاد در مدینه برای آنها بهتر از راضی  
بودن به ماندن در ورودی‌های مدینه است و بر همین اساس اهل کوفه و بصره و طلحة و زبیر  
تنها همین نیستند و حتی ادعا کردند که خانواده و سردمداران مؤمنین هستند که نامه‌ها  
برای آنها ارسال شده است».

### ۳-۲. قاعده دوم (ارائه اطلاعات در زبان مقصد متناسب با همان زبان)

#### ۳-۲-۱. رعایت قاعده

قاعده دوم در نظریه هدف مربوط به ارائه اطلاعاتی در فرهنگ و زبان مقصد است که در فرهنگ  
و زبان مبدأ به همان شکل وجود ندارند. این اطلاعات می‌تواند شامل اصطلاحات، ضرب‌المثل‌ها  
و حتی کاربرد متفاوت معنایی یک کلمه در شرایط مختلف باشد. (موندی، ۱۳۸۹، ص ۱۷۴)  
مترجم در برخی جمله‌ها به زیبایی این ساختار را رعایت کرده است. در ادامه در قالب چند مثال،  
زیبایی کاروی بررسی می‌شود:

- «العاصفه التي طالت المسلمین و لم نجد لها مخرجاً؛ دردهایی که به جان مسلمین  
افتاده و هیچ راه‌حلی برای آن پیدا نمی‌کنم». گوینده این جمله، امام حسن علیه السلام است که در  
گوشه‌ای به تنهایی مشغول تفکر بوده و وقتی امام حسین علیه السلام از دلیل تنهایی و تفکر عمیقش  
می‌پرسد چنین پاسخی می‌دهد. العاصفه به معنی باد است و اگر بنا بود به شکل تحت اللفظی  
ترجمه شود، با ترکیبی مشابه «بادهایی که مدت‌های طولانی است بر مسلمانان می‌وزد»  
مواجه می‌شدیم. چنین عبارتی، برای مخاطب فارسی‌زبان، آشنا نیست، اما معادلی که مترجم  
برگزیده به طور کامل در زبان فارسی رایج است و مخاطب به خوبی آن را درک می‌کند.

- «انتظرت طویلاً هذه اللحظة یا سیدی؛ مدت زیادی است که منتظر چنین لحظه‌ای  
بودم قربان». این جمله اولین سخن از زبان عبدالله بن سبأ است که در قسمت اول، مخاطب  
هنوز هیچ شناختی از او ندارد. ترجمه کلمه «سیدی» اگر به صورت «سرورم و یا آقای من» ذکر

می‌شد ترجمه‌ای صحیح بود، اما مترجم با برگزیدن شایسته کلمه «قربان» این مطلب را به خواننده القا می‌کند که شخصیت مورد نظر فردی شرور است که مقاصد شومی را دنبال می‌کند.

### ۳-۲-۲. عدم رعایت قاعده

در برخی موارد این قاعده رعایت نشده است مانند عبارت «هیّا تحرکوا؛ آماده شوید و حرکت کنید». اسم فعل «هیّا» در عربی بر انجام کاری باشتاب دلالت می‌کند، اما مترجم با تبدیل آن به دو فعل مستقل و ارتباط آنها با واو عطف، این تعجیل را از بین برده است. بهتر بود به جای آن از عبارتی مانند «زود باشید بروید» استفاده می‌شد که در زبان فارسی مفهوم سرعت را به خوبی می‌رساند.

- «و لکن ما ردهم إلى المدينة مرة أخرى بعد أن قادروها، لا ردهم الله؛ چه چیز باعث شد که دوباره به مدینه برگردند بعد از اینکه آن را ترک کردند، خداوند آنها را برنگرداند».

ترجمه عبارت نوعی گزیده برداری از ساختار زبان عربی است؛ زیرا فعلی که تأویل مصدر رفته در ترجمه به همان صورت فعلی ترجمه شده است. همچنین جمله آخر نیز نوعی نفرین است که در زبان فارسی معادل روشنی دارد و بهتر بود که از همان استفاده می‌شد. ترجمه پیشنهادی عبارت است از: «چرا بعد از رفتن دوباره بازگشتند؟ بروند که برنگردند».

«ماذا يريدون منه، فليدعوا الرجل و شأنه؛ از او چه می‌خواهند؟ او را به مردان واگذار کنید». ساختار: «دع (در صیغه‌ها و حالات مختلف) + ضمیر یا اسم ظاهر + و + شأن + همان ضمیر» ساختاری خاص در زبان عربی است که در زبان فارسی به صورت «کسی را به حال خود گذاشتن» ترجمه می‌شود. در این ترجمه دقت کافی در شناسایی این ساختار و ترجمه آن به کار نرفته است. عبارت پیشنهادی نگارنده چنین است: «از او چه می‌خواهند؟ چرا او را به حال خود نمی‌گذارند؟ (باید او را به حال خود بگذارند)».

۳-۳. قاعده سوم (عدم قابلیت بازگردانی متن ترجمه شده به زبان اصلی)

۳-۳-۱. رعایت قاعده

در قاعده سوم، نظریه هدف بیان شد که متن ترجمه شده حاوی اطلاعاتی است که به طور صریح نمی‌توان آن را به زبان مبدأ بازگردانی کرد. (موندی، ۱۳۸۹) این قاعده نیز در برخی موارد به خوبی اجرا شده است. برای مثال:

- «أراک منفردا بنفسک یا حسن؛ می بینم که با خودت خلوت کرده‌ای حسن». معادل یابی مناسب متن باعث شده است تا متن ترجمه قابل بازگردانی صریح نباشد؛

- «لم تفوتک الفطنة و الحضر هذه المرة؛ این دفعه مواظب باش، حواست را جمع کن». در این نمونه نیز تغییر مقوله یعنی، جابه جایی فاعل و مفعول و تبدیل یک جمله به دو جمله باعث شده است تا متن قابل بازگردانی نباشد؛

- «هیتا یجب أن لا تتأخر علی المدینة؛ زود باشید نباید دیر به مدینه برسیم». در این مثال با تغییر مقوله مناسب یعنی، جایگزین کردن بار منفی از فعل دوم به فعل اول بیان جمله شیواتر شده است؛

- «و أیم الله لو كانوا من المهاجرین و الأنصار، لما رأوا لأنفسهم من الحق ما رأوا؛ به خدا قسم، مهاجرین یا انصار همانند اینها چنین حقی برای خود قائل نبودند». حذف کلمات غیرلازم سبب شده است ترجمه هم شیواتر و واضح تر به نظر برسد و هم قابل برگرداندن صریح به زبان مبدأ نباشد.

۳-۳-۲. عدم رعایت قاعده

در برخی موارد نیز این قاعده رعایت نشده است. برای مثال چنین آمده است:

- «أنا أرى أن القلق الذی یساور الأخ الحسین فی محله، أن تنتهی الأمور عند هذا الحد؛ اگر امورشان تا این حد پایان یابد من نگرانی حسین را به جا می‌دانم». با اینکه در این مثال نیز مختصرنویسی، قسمت دوم جمله را زیبا کرده است، اما در قسمت نخست، برگردان صریح

صورت گرفته و عبارتی بی مفهوم در زبان فارسی ایجاد کرده است. بهتر بود به جای آن از عبارتی مأنوس در زبان فارسی استفاده می شد مانند عبارت «اگر کار به اینجا بکشد»؛

- «أذن لا انظر اليك يا ولدي، فلقد رأيت جدك ﷺ و هو يضعك على المنبر و أنت طفل صغير؛ اگر به تو نگاه نکنم فرزندم به یاد دارم که جدت رسول خدا تو را درحالی که طفل صغیر بودی بالای منبر می گذاشت».

یکی از اسلوب های رایج در زبان عربی به کار بردن جملات شرطیه با جواب شرط محذوف است. حتی در قرآن کریم نیز نمونه های متعددی از این اسلوب دیده می شود، اما در زبان فارسی چنین ساختاری وجود ندارد. بنابراین، مترجم در تمام موارد، حتی در ترجمه کلام الهی ملزم است که جواب شرط مقدر را ترجمه کند و یا معادلی برای آن به کار ببرد که کمبود جواب شرط را جبران کند. در مثال بالا باتوجه به فضای نوشته، معادل «چگونه به تو نگاه نکنم، فرزندم» پیشنهاد می شود.

### ۳-۴. قاعده چهارم (پیوستگی درونی)

#### ۳-۴-۱. رعایت قاعده

براساس این قاعده، متن مقصد باید باتوجه به موقعیت دریافت کننده متن مقصد از نظر آنها پیوستگی داشته باشد. (موندی، ۱۳۸۹) متأسفانه این قاعده در قالب موارد، رعایت نشده است. با این وجود یک نکته جالب در کار مترجم وجود دارد که ذکر آن خالی از لطف نیست. با وجود اینکه در متن عربی اثر، گاهی گوینده مشخص نیست، اما مترجم در برخی موارد از متن مورد گفت وگو اسامی آنها را تشخیص داده است و نام آنها را در ابتدای جملات ذکر می کند تا از سردرگمی مخاطب کم کند. برای مثال در صفحه ششم که گفت وگوی ابن عمرو با ابن زبیر را بیان می کند نامی از ابن زبیر یعنی، طرف دوم گفت وگو وجود ندارد، اما مترجم با زیرکی، این دقت نظر را اعمال کرده است که نام طرف دوم خطاب را از گفت وگوها به دست آورده و ذکر کرده است.

متأسفانه عدم رعایت یک نکته اساسی، پیوستگی درونی را در سراسر متن خدشه‌دار کرده است. آن نکته این است که هنگام انتقال از یک صحنه به صحنه دیگر هیچ نشانه‌ای وجود ندارد تا خواننده را متوجه تغییر فضا کند. دو نفر در حال حرف زدن هستند و یک‌مرتبه چند نفر دیگر که دشمن آنها محسوب می‌شوند شروع به سخن گفتن می‌کنند، درحالی‌که هیچ ارتباط ظاهری میان سخنان آنها وجود ندارد. خواننده ناچار است برگردد و ارتباط سخن این چند نفر را بررسی کند تا متوجه شود که صحنه عوض شده است و الآن در سکانسی دیگر قرار دارد. در برخی موارد حتی گوینده سخن نیز مشخص نیست. نگارش و چاپ متن فیلم‌نامه یعنی، کتاب‌گرایش تازه‌ای از سوی نویسندگان است که در سال‌های اخیر مخاطبان ویژه خود را درمیان اهل مطالعه پیدا کرده است. از میان فیلم‌نامه‌های جذاب، قاعده‌مند و اثرگذار می‌توان به کتاب مرد رؤیاها اثر سید مهدی شجاعی و کتاب امپراطور عشق اثر بهزاد بهزادپور اشاره کرد. در کتاب‌هایی که به سبک فیلم‌نامه نوشته می‌شوند دقت بالایی در بیان تغییر صحنه، وصف فضای کلی داستان مانند شب یا روز بودن، مکان اتفاق افتادن صحنه و... و بیان احساس شخصیت‌ها در موقعیت‌های مختلف مانند اخم، لبخند، در فکر بودن، و... و حتی اصطلاحات تخصصی پیرامون شیوه فیلم‌برداری وجود دارد. در تبدیل متن یک سریال به فیلم‌نامه نمی‌توان چنین دقتی را انتظار داشت، اما دست‌کم انتظار می‌رود که صحنه‌های مختلف با علامت‌هایی از هم جدا شوند تا خواننده دچار اشتباه نشود. ناگفته نماند که این ضعف در متن عربی سناریو نیز وجود دارد. (شجاعی، ۱۳۹۸؛ بهزادپور، ۱۳۸۹) براساس قاعده دوم از نظریه هدف، این مترجم است که در فرآیند ترجمه، بازیگر اصلی به‌شمار می‌رود. بنابراین، اعمال چنین دقتی از سوی مترجم می‌توانست بر زیبایی و شیوایی اثر بیفزاید.

همان‌طور که در مقدمه این ترجمه آمده است سریال السبطين یکی از سریال‌های پریننده در کشورهای عربی بوده است، اما عیب بزرگ آن از نظر تحریف تاریخ است که بسیاری از واقعیت‌ها را چنان معرفی می‌کند که شخصیت‌های اصیل اسلامی مانند امیرالمؤمنین علیه السلام و



حسین علیه السلام دچار ضعف‌های متعدد باشند و برعکس، شخصیت‌های منفوری مانند معاویه، مظلوم و حق به جانب. (حسنی، بی‌تا) بنابراین، ترجمه چنین اثری باید آن قدر جذاب باشد که مخاطب با علاقه آن را دنبال کند و در نهایت به خواندن نقد آن تشویق شود. اگرچه تحریف سیره شخصیت‌های اصیل مذهبی حس تنفر شدید را در خواننده برمی‌انگیزد، اما چنانچه ترجمه‌ای، زیبا، روان و بدون ابهام باشد تا حدودی میل خواننده را برای به‌تمام رساندن کتاب تقویت می‌کند. این مهم به‌طور ویژه در صفحات آغازین ترجمه، شایسته دقت و توجه است. عدم دقت در انتخاب معادل صحیح نیز گاهی مترجم را دچار تکرار کرده است که این امر از شیوایی اثر کم می‌کند. برای مثال در صفحات ابتدایی این اثر آمده است: «کان یقول الفقر احبّ الی من الغنی و السقم احبّ الی من الصحة؛ می‌گفت فقر برای من از ثروت دوست‌داشتنی‌تر بود و بیماری نزد من از سلامتی دوست‌داشتنی‌تر است». اگر مترجم تلاش کند تا حد امکان به جای استفاده از یک واژه تکراری از مترادف آن استفاده کند زیبایی اثر او بیش‌تر خواهد شد. به جای این عبارت می‌توان عباراتی مانند جمله زیر قرار داد: «می‌گفت: فقر برای من محبوب‌تر از ثروت و بیماری نزد من دوست‌داشتنی‌تر از سلامتی است».

در جای دیگری از متن آمده است: «ادعائات واهیه یا عمّاه، یدّعون انّ ابي قد اِرسَل الیهم کتاباً یقول فیها: انّ دین محمد فسد و تُرک و إنّ الجهاد فی المدینة خیر لهم من الرضاة فی الثغور الباعیة و علی ذلک اهل الکوفة و البصرة و طلحة و الزبیر. لیس ذلک و حسب بل ادعوا انّه المؤمنین عائلة قد ارسلت لهم کتاباً؛ عمو! ادعاهای واهی است. ادعا می‌کنند پدرم برای آنها نامه‌هایی فرستاده و در آنها نوشته است که دین محمد فاسد و رها شده است و اینکه جهاد در مدینه برای آنها بهتر از راضی بودن به ماندن در ورودی‌های مدینه است. بر همین اساس اهل کوفه و بصره و طلحه و زبیر تنها همین نیستند و حتی ادعا کردند که خانواده و سردمداران مؤمنین هستند که نامه‌ها برای آنها ارسال شده است».

جمله بالا به دلیل عدم رعایت علائم نگارشی و اسلوب ترجمه، گنگ است و از نظر خواننده فارسی‌زبان پیوستگی لازم را ندارد. در آخرین جمله نیز عدم توجه به اعراب کلمات موجب

شده است تا ترجمه از نظر ساختار نحوی چندان صحیح نباشد هر چند مخاطب بدون خواندن متن عربی به این مسئله پی نخواهد برد. ترجمه پیشنهادی چنین است: «ادعاهایی واهی است، ای عمو. ادعا می‌کنند پدرم برای آنها نامه‌هایی به این مضمون فرستاده است که دین محمد فاسد و رها شده و جهاد در مدینه برای آنها بهتر از رضایت به ماندن در رودی‌های مدینه است. اهل کوفه و بصره و طلحه و زبیر نیز همین نظر را دارند. تنها همین نیست، بلکه مدعی شده‌اند که مؤمنان خانواده‌ای هستند که برای ایشان نامه نوشته‌اند»<sup>۲</sup>.

### ۳-۵. قاعده پنجم (قاعده وفاداری)

بنا به دلایلی<sup>۳</sup> در برخی موارد هماهنگی میان دو متن به درستی رعایت نشده است از جمله اینکه در صفحه اول متن چنین آمده است: «أنت تبليغ عمر بن الأصم و أهل الكوفة ما قد افهمتك إياه؛ تو عمر بن الأصم را از آنچه به تو فهماندم، آگاه می‌کنی». عبارت «اهل الكوفة» از متن ترجمه حذف شده است. باتوجه به اینکه در قسمت اول ترجمه هنوز خوانندگان شناخت کافی با شخصیت‌ها به‌ویژه شخصیت‌های غیرمشهور ندارند ترجمه اهل کوفه می‌توانست تا حدی از غرابت اثر بکاهد. توصیه می‌شود در صفحات ابتدایی اثر، دقت نظر بیش‌تری از سوی مترجم اعمال شود. در جای دیگری از متن آمده است: «صدق يا ابن عمر، والله أن ما قالوه لأمير المؤمنين لفيه من السفاطتي و الجلافة و الصلف اضعاف ما ادعوه من المطالبة بحقوقهم و الشكاية من عمال الخليفة؛ ابن عمر درست می‌گویی. به خدا گستاخی و توقع آنها از کارگزاران خلیفه به مراتب بیشتر از حرف‌های زشت و بی‌ادبانه‌ای است که به امیرالمؤمنین نسبت دادند». مفهوم جمله در ترجمه برعکس شده است. تعجب‌گوینده از این مسئله است که معترضان، گستاخی را تا آنجا رسانده‌اند که علاوه بر عمال خلیفه به خود وی نیز توهین‌های چندبرابر می‌کنند و اگر برخلاف این بود جای تعجب وجود نداشت؛ زیرا بی‌احترامی به مقامات بالادست است که تعجب انسان را برمی‌انگیزد. این نکته در ترجمه به درستی منعکس نشده است.

#### ۴. نتیجه‌گیری

تحلیل ترجمه قسمت اول سریال *الأسباط* براساس نظریه هدف:

- لحن حماسی حاکم بر اثر در قالب کلی‌ترین بخش ترجمه، ترجمه را تا حد زیادی قابل دفاع می‌کند به‌ویژه با توجه به این نکته که تعیین اهداف ترجمه، مهمترین مسئله در نظریه هدف است، اما عدم رعایت علائم نگارشی و توجه نکردن به ساختار زبان فارسی تا حدودی از غنای اثر کم می‌کند.

- در برخی موارد، معادل‌یابی اصطلاحات میان دو زبان به زیبایی صورت گرفته است. در برخی موارد نیز به یک اصطلاح توجه نشده و یا با گزیده‌برداری از یافتن معادل فارسی آن اجتناب شده است، در حالی که آن اصطلاح، معادل ساده و رایجی در میان فارسی‌زبانان دارد؛ در برخی موارد به جای اصطلاحات عربی عبارات فارسی وجود دارد که به طور صریح قابل بازگردانی به زبان مبدأ نیست. این امر گاهی با تغییر مقوله‌های به جا و مناسب صورت گرفته است. با این حال در برخی موارد دیگر نیز مترجم دقت نظر کافی اعمال نکرده و یا اسلوب‌های رایج زبان عربی را نادیده گرفته است؛

- ضعف غالب اثر به دلیل نداشتن پیوستگی درونی است که هرچند مترجم تلاش خود را به کار برده است تا در برخی موارد آن را جبران کند، اما در بیشتر موارد این ضعف خود را نمایان می‌کند. مواردی مانند مشخص نبودن دو طرف خطاب، تغییر صحنه به شکل نامعلوم، عدم رعایت علائم نگارشی و عدم دقت کافی در ترجمه برخی عبارات به این مسئله دامن زده است؛ در برخی موارد نیز به دلیل غفلت مترجم یا اشتباه وی در تشخیص اسلوب عربی، عبارت به درستی ترجمه نشده است.

#### ۵. پیشنهادها

- با توجه به اینکه نظریه هدف، نظریه‌ای مقصدگراست، می‌تواند در تحلیل انواع مختلف متن به‌ویژه متون ادبی معاصر، متون سیاسی، فرهنگی، مطبوعاتی و... مبنای تحلیل و نقد قرار

گیرد؛ زیرا در تمام این متون این خواننده است که باید پیام را به صورت کامل دریافت کند. بررسی ترجمه متون دینی به دلیل حساسیت‌های ویژه این متون در امانت‌داری براساس این نظریه از دیدگاه نگارنده توصیه نمی‌شود؛

- باتوجه به مقصدگرا بودن این نظریه به نظر می‌رسد ترجمه متون مختلف معاصر براساس این نظریه بر شیوایی و زیبایی اثر بیفزاید به‌ویژه در ترجمه رمان که پیوندی عاطفی میان ملل مختلف ایجاد می‌کند.

## ۶. پی‌نوشت‌ها

۱. برای رعایت امانت و خارج نشدن از انصاف، تمام موارد از کلمات و علائم نگارشی به طور دقیق به همان شیوه‌ای که در نسخه اصلی آمده است، ذکر می‌شود؛

۲. هرچند به احتمال زیاد در متن عربی اشکالاتی وجود داشته باشد، اما به نظر می‌رسد که این نوع ترکیب بهتر باشد: عائلة، خبر إن، اسم نکره‌ای است که با جمله بعد از خود، وصف شده است. عائذ صله نیز ضمیر مستتر هی است که تاء تأنیث آن را آشکار می‌کند. نگارنده به دو دلیل، فعل «ارسلت» را معلوم در نظر گرفته و از ترجمه آن به شکل مجهول پرهیز کرده است: نخست اینکه «کتاب» نائب فاعل بوده و اسمی مذکر است که با فعل مؤنث نمی‌آید. دلیل دوم اینکه، منصوب شده است، اما نائب فاعل باید مرفوع باشد؛

۳. شاید دلیل برخی از این ضعف‌ها سرعت بالای کار باشد که در امور پژوهشی چنین سرعتی معمول است به‌ویژه وقتی در مقام پاسخ‌گویی به یک شبهه انجام گیرد، اما باید توجه داشت که سرعت بالای کار موجب می‌شود تا از کیفیت آن تا حد زیادی کاسته شود. بنابراین، توصیه می‌شود در چنین مواردی یا از سرعت کار کم شود تا مترجم فرصت بیش‌تری برای دقت داشته باشد یا اینکه متن میان دو یا چند مترجم تقسیم‌بندی شود؛

## فهرست منابع

۱. بهزادپور، بهزاد (۱۳۸۹). امپراطور عشق. تهران: نیستان.
۲. حسنی، عبدالله (۱۳۹۶). ترجمه سریال الاسباط (الحسن والحسین علیهما السلام و معاویه. قم: مرکز المصطفی صلی الله علیه و آله.
۳. شجاعی، سید مهدی (۱۳۹۸). مرد رؤیاها. تهران: نیستان.
۴. علیمردانی، حبیب (۱۳۸۹). ترجمه تلمیحات اسم خاص و عبارات مهم برگرفته از اساطیر و کتب مقدس در سه تراژدی شکسپیر: هملت، مکبث و رومئو و ژولیت. دانشگاه دریانوردی و علوم دریایی چابهار. دانشکده مدیریت و اقتصاد.
۵. مخلوقی، حوریه (۱۳۹۴). بررسی مشکلات ترجمه متون مطبوعاتی از فرانسه به فارسی با تکیه بر نظریه اسکوپوس. دانشگاه تربیت مدرس. دانشکده ادبیات و علوم انسانی.
۶. موندی، جرمی (۱۳۸۹). درآمدی بر مطالعات ترجمه، نظریه و کاربردها. مترجم: ستوده نیا، الهه، و حق بین، فریده. تهران: علم.
۷. وطن دوست، خاطره (۱۳۹۵). بررسی انسجام بینامتنی در ترجمه انگلیسی رمان بوف کور صادق هدایت با رویکرد اسکوپوس. مؤسسه آموزش عالی نبی اکرم صلی الله علیه و آله. دانشکده ادبیات و زبان های خارجی.
۸. هاشمی، محمدرضا، و حیدرپور، امیرداوود (۱۳۹۲). بررسی نظریه اسکوپوس (هدفمندی) در نهضت ترجمه بغداد. نشریه مطالعات زبان و ترجمه، (۴۶)، ۴۶-۵۱، ۷۵.